نگاهی گذرا به میدان صاحب آباد تبریز

بانی مسعود، امیر

 معماری یکی از معدود هنرهایی است که در طول‏ تاریخ،بیشتر در خدمت حکومتها و دول متخاصم‏ بود تا مردم؛حکومتها با ساختن بناهای متعدد مانند مساجد،مدارس،میادین و...می‏خواستند حکومت خود را از نظر اجتماعی-سیاسی تثبیت‏ کنند.با نگاهی هر چند گذرا به پیشینه تاریخی‏ ایران میتوان مثالهای متعددی را در این مورد بیان‏ کرد.میدان«صاحب آباد»تبریز یکی از همین‏ میادین حکومتی در زمان«آق قویونلوها»است.

مختصری از پیشینه تاریخی شهر تبریز تا زمان آق‏ قویونلوها:ولادمیر مینورسکی شرق شناس مشهور با استناد به سفر سارگن دوم که برای تصرف ممالک‏ اورارتو سفری به شمار غربی ایران کرده می‏گوید: «او پس از عبور از سلیمانیه داخل مکری شد،از پارسوا و ساحل جنوبی دریاچه ارومیه گذشت،از سوی شرقی دریاچه عبور کرده،پس از پشت سر گذاشتن اوسکایا(اسکوی فعلی)،قلعه تاروی،یا تارویی و تارماکیس را گشود.(بعید نیست یکی از این نامها نام تبریز کنونی باشد)(1)

تاریخ شهر تبریز بعد از اسلام زنده‏تر و گویاتر است؛مورخین نامی از این شهر در قرون نخستین‏ هجری نمی‏برند و اگر بخواهیم دلیلی بر قدمت‏ حتمی آن اقامه کنیم،ناگزیر باید این عقیده را داشته باشیم که این شهر در روزگاران باستان مکانی‏ آبادان بوده و مدتی نیز بر اثر سوانح و مصایب‏ متعدد ویران و گمنام گشته و از خاطرها رفته است. پس از استقرار اسلام در آذربایجان و قبایل مهاجر غرب،این شهر دوباره و از نو آباد گردید و از آن‏ پس معروف گشته است.(2)بلاذری(279 هـ.ق) مینویسد:«بعد از رواد،پسر او و جناء در تبریزساکن بوده.وی و برادرانش عماراتی چند ساختند و وجناء بارویی دور شهر کشید تا مردم بدانجا گرد آمدند».(3)از این گفتار بخوبی پیداست که این‏ روزگاران،زمان تجدید حیات تبریز بوده است اما هنوز آن عظمت و وسعت را پیدا نکرده است که با شهرهای دیگر آذربایجان برابری کند.چنانکه‏ می‏بینیم در سال 372 هـ.ق مؤلف«حدود العالم» آنجا که اردویل(اردبیل کنونی)را قصبه و مراغه را شهر بزرگ آذربایجان معرفی کرده است،تبریز را شهرکی کوچک می‏نامد.

از اواسط قرن چهارم هجری،شهر معروفیت‏ خاصی پیدا می‏کند و از جغرافی نویسان معاصر، مؤلف»«حدود العالم»کسانی نیز زبان به توصیف‏ تبریز گشوده‏اند که در دو قرن پنجم و ششم صورت‏ مستحکمتری به خود می‏گیرد.ابن حوقل تبریز را از شهرهای آبادان آذربایجان می‏شمارد و از رواج‏ تجارت آن سخن می‏راند.مقدسی آن را به«مدینه‏ الاسلام»-بغداد-ترجیح می‏دهد و یاقوت حمومی‏ تبریز را مشهورترین شهر آذربایجان می‏نامد.

در سال 618 هجری لشکر مغول به پشت‏ دروازه‏های شهر تبریز رسید.مردم با بذل مال،خود را از شر آنان رها ساختند و کار به صلح انجامید. بدین ترتیب شهر در دوره چنگیزیان کمتر صدمه‏ دید.پس از آن جلایریان در تبریز قدرت یافتند، جلایریان وابسته به قبیله«جلایر»بودند که یکی از قبایل مهم ترک مغول درآمد.رؤسای این قوم برای‏ اولین بار به همراهی هلاکو خان در سال 651 هـ. ق به ایران آمدند.

پس از جلایریان دوره تیموری فرا رسید.در سال‏ 790 هجری تیمور،میرانشاه را حکمران تیول‏هلاکو و تبریز را پایتخت همه ایلات گردانید.در سال 809 هجری تبریز توسط شیخ ابراهیم تصرف‏ شد و او این شهر را به سلطان قبلی آن،یعنی‏ سلطان احمد جلایر تسلیم کرد.در جریان جنگی‏ که بین سلطان احمد و قره یوسف در گرفت در سال‏ 813 هـ.ق سلطان احمد کاملا شکست خورد و خود نیز کشته شد.

زمستان 839 هـ.ق زمان شروع سلطنت‏ جهانشاه است که سالیان دراز در این مملکت و آسیای صغیر تا رود فرات و خلیج فارس حکومت‏ رانده و مسجد کبود یکی از آثاری است که در زمان‏ حکومت او ساخته شده است.جهانشاه در سال‏ 872 هـ.ق در ارمنستان بدست اوزون حسن‏ سردسته ترکمانان«آق قویونلو»کشته شد(4)و در سال 873 هجری اوزون حسن حاکم و ارباب‏ مطلق آذربایجان و عراق و فارس گشت و خود را رسما شاه خواند و تبریز را پایتخت خود کرد و در بزرگی و توسعه هر چه بیشتر آن کوشید.شهرت وی‏ عالمگیر شد و بزودی سفرایی از ممالک عثمانی، روم و مصر به کشور او آمدند.(5)همانگونه که‏ مینورسکی هم به خوبی متوجه شده است،اوزون‏ حسن نیز با محیط ایرانی که در آن می‏زیست، هماهنگ شد و در ردیف سلسله سلاطین ایرانی‏ در آمد.(6)

میدان صاحب آباد:در متون تاریخی و سفرنامه‏ها می‏توان به شواهدی استناد کرد که تا حدودی جامع‏ در توصیف میدان و نقش کارکردی آن اشاره‏ کرده‏اند.ما به شواهدی هر چند کوتاه در این مورد اشاره می‏کنیم.

«مسجد اوزون حسن گویا قدری خارج شهر،در میدان صاحب آباد،نمای بدنهء میدان و ورودی مسجد اوزون حسن(حسن پادشاه) ترسیم:اکبر سرداری زنوز،امیریانی مسعود

\*میدان صاحب آباد در یک‏ دورهء مشخص و با طرحی از پیش‏ طراحی شده و با توجه شرایط خاص اجتماعی و سیاسی شکل‏ گرفته است.

قریه صاحب آباد واقع بوده است.امرای اق قویونلو در اینجا دربار و دستگاهی داشتند.این ناحیه‏ توسط نهری از خود تبریز جدا شده بود».(7)

«مسجد اوزون حسن در یک میدان با عظمت‏ واقع بود که خلیل در ژانویه سال 1478 (-882 هـ.ق)و یعقوب در ژوییه همان سال در آنجا به تخت نشستند،این مسجد بسیار بزرگ بود و اتاقهای بسیار داشت که هم با گچ بری و رنگ آمیزیهای آبی-طلایی آراسته بودند»(8)

«در جانب مغرب میدان وسیع،دروازه بزرگ‏ سفید رنگی بود و طاقی بر روی آن زده بودند که باغ‏ شاه در پس آن واقع بود و با گذشتن از آن به قصر پادشاه راه می‏شد یافت»(9)

«این کاخ در وسط باغی با مصطبه‏ای قرار دارد و در هر گوشه این مصطبه،فواره‏های به شکل اژدها از مفرغ گذارده‏اند.این فواره‏ها را بقدری با مهارت‏ و هنرمندی ساخته‏اند که گویی اژدهاها جان دارند. در داخل این کاخ بر طاق تالار بزرگ،صحنه‏هایی‏ از نبردهای متعدد اوزون حسن و همچنین شرفیابی‏ نمایندگان باب عالی را به حضور اوزون حسن با طلا،نقره،و رنگ آبی تصویر کرده‏اند.از آن‏ گذشته مجالسی نیز از شکار اوزون حسن که سوار بر اسب،نمایانده شده است با سگها و بازها و از آن‏ گذشته،اتفاقات دیگر را رسم کرده‏اند و...خود باغ دارای سه در ورودی است،رو به شمال، جنوب و مشرق»(10)

«به مسجد اوزون حسن که ذکرش رفت‏مدرسه‏های عالی برای طلاب علوم ضمیمه بود که‏ اوزون حسن را در صحن باغ آن دفن کرده‏اند.این‏ بنا که نیز از آثار اوست،«مدرسه نصریه»نامیده‏ می‏شد و در نزدیکی این مدرسه باز«مسجد مقصودیه»واقع است که در دوره مقصود،فرزند دسینیا ساخته شده است»(11)«در میدان صاحب‏ آباد که تاکنون بصورت مکرر ذکر آن به میان رفت‏ بجز یک قصر کوچکتر که پادشاهان آق قویونلو از ایوان آن مسابقات و بازیها را تماشا می‏کردند و یا سفرای خارجی را در آنجا به حضور می‏پذیرفتند، یک بیمارستان بزرگ هم وجود داشت که فقط یک‏ دیوار حد فاصل آن و مسجد اوزون حسن بود...در دوران اوزون حسن و یعقوب به شهادت بازرگانان‏ ونیزی،بیش از هزار تن مستمند و بیمار در این‏ بیمارستان که اتاقهای وسیعش با قالی مفروش بود، زندگی می‏کردند...در سفره‏خانه مجاور که به فقرا اختصاص داشت،به خرج دربار به تهیدستان غذا داده می‏شد»(12)

«مسجد صاحب الامر»در جانب شرقی میدان‏ صاحب آباد قرار دارد.بنا به قول شایع مردم تبریز، آنجا نظر کرده امام زمان است و از این جهت آن را «مقام صاحب الامر»خوانده‏اند.ثقه الاسلام شهید می‏نویسد:«این بقعه در سمت شرقی صحن‏ مدرسه‏ای قرار دارد بنام«مدرسه اکبریه»که آنرا مرحوم میرزا علی اکبر خان مترجم،قونسولگری‏ دولت روس متوفی در سال 1280 هـ.ق احداث‏ کرد و موقوفاتی به آن معین نمود»(13)

با توجه به مطالب گفته شده مشخص می‏گردد که‏ میدان صاحب آباد تبریز در یک دوره مشخص و با طراحی از پیش اندیشیده شده با توجه به شرایط خاص اجتماعی و سیاسی شکل گرفته است.با حمله مغولها و پس از حکومت ایلخانان و با روی‏ کار آمدن جلایریان،تبریز که از حمله مغول در امان مانده بود،بعنوان پایتخت اهمیت پیدا کرد.به‏ همین مناسبت مرکز شهری جدیدی در خارج از حدود شهری قبلی ساخته شد.شاید این اولین‏نمونه توسعه شهری در ایران بصورت غیر ارگانیک‏ باشد.این مرکز بنا به ملاحظات سیاسی و اقتصادی بوجود آمد و شامل کاخها و مراکز حکومتی گشت.

از دولتخانه قدیم در حال حاضر اثری بجا نمانده‏ است،فقط محل تقریبی آن نسبت به شهر حدس‏ زده می‏شود.جهانشاه قراقویونلو،دولتخانه را به‏ میدان صاحب آباد منتقل نمود ولی شکل گیری‏ میدان و مراکز مربوط به آن در زمان اوزون حسن‏ پادشاه آق قویونلو و پسرش سلطان یعقوب اتفاق‏ افتاد.

خصوصیات میدان:بطور کلی این میدان را میتوان جزء میدانهای حکومتی-اداری با کارکردهای‏ اجتماعی دسته بندی نمود.بناهایی مانند کاخ عالی‏ قاپو و هشت بهشت،نشان از نقش حکومتی میدان‏ دارد و از طرف دیگر ارتباط بسیار نزدیک با بازار و اقتصاد شهر بر نقش اجتماعی میدان تأکید می‏کند.وجود مسجد و مدرسه نصریه موقعیت‏ مذهب را به عنوان حلقه واسطه بین مردم و حکومت‏ نشان می‏دهد.سایر فضاهای شهری از جمله‏ بیمارستان نیز بر مرکزیت این میدان در شهر صحه‏ می‏گذارد.

موقعیت میدان نسبت به شهر:این میدان بیرون از شهر احداث شده است ولی پیوندهای قوی و مستحکمی با شهر و بخصوص با عناصر اصلی‏ حیات اقتصادی آن یعنی بازار ایجاد نموده است. این ارتباط با دو پل بازار انجام می‏شد که بر روی‏ رودخانه احداث گردیده بود و عابران با عبور از روی‏ این پلها به علت وجود مغازه‏ها روی پل و عدم تغییر محسوس در وضعیت مسیر حرکتی خود،متوجه‏ مانعی فیزیکی مانند نهری عریض نمی‏شدند.

راسته اصلی و راسته پشتی هر دو با تناسباتی‏ مشابه وارد میدان می‏شدند.در محل استقرار میدان‏ به نکته دیگری نیز باید اشاره کرد و آن اینکه راههای‏ اصلی عبور،از شهر به بازار می‏رسید و حرکت‏ خطی بازار در طول زمان،توسعه یافته و با رسیدن‏ به نهر مهران رود دچار توقف شده بود. فضاهای مهم و نحوه استقرار آنها در میدان:با توجه به این که میدان صاحب آباد با طراحی قبلی‏ ساخته شده،عناصر مهم شهری جایگاه خود را نسبت به موقعیت و اهمیتشان بدرستی پیدا کرده‏اند.محورهای تقارن که از زمانهای پیش مورد توجه بوده،در استقرار فضاهای شهری در اطراف‏ میدان نقش اصلی را ایفا کرده است.طول میدان در جهت شرقی-غربی است.کاخ،مخصوص‏ پذیرایی از میهمانان و تماشای مراسم تیراندازی در جانب غربی میدان ساخته شده بود.

در ضلع شرقی میدان مسجد شاه مقصود قرار داشت که پس از حمله عثمانیها ویران گردید و مسجد دیگری بنام صاحب الامر به جای آن ساخته‏ شد.این مسجد پس از ویرانی در زلزله سال 1193 ه.ق به شکل امروزی بازسازی گردید.

ارتباط اصلی شهر با میدان،از ضلع طولی‏ جنوبی با تناسباتی طراحی شده انجام گردیده است‏ و مانع رودخانه توسط پل بازار حل شده که کروکی‏ فرد ریچاردز کاملا مشخص می‏باشد.

در ضلع شمالی نیز مسجد،مدرسه و بیمارستان‏ ساخته شده بود تا ترکیب اقتصادی،اجتماعی، خدماتی و حکومتی مرکز شهر کامل گردد.فضای‏ \*در ساخت و طراحی میدان‏ نقش جهان تفکر طراحانی به‏ خدمت گرفته شده است که میدان‏ صاحب آباد تبریز را در نظر داشتند و البته طراحی‏شان بسیار متکاملتر است.

باز میدان به عنوان محل اجتماعی مردم،محل‏ مسابقات و در روزهای دیگر،محل گذران اوقات‏ فراغت و خرید و فروش اجناس کم قیمت بود که‏ توسط دستفروشان عرضه می‏شد.

از بناهای اصلی زمان ساخت میدان به جهت‏ تخریب در جنگ و زلزله اثری نمانده است و فقط مسجد اوزون حسن و مدرسه نصریه در جای قبلی‏ و بدون کیفیت جالب توجهی بازسازی شده‏اند و مسجد صاحب الامر نیز در محل تقریبی مسجد شاه‏ مقصود قرار گرفته و بقیه ابنیه کاملا نابود گردیده‏ است.در واقع وجود میدان صاحب آباد با ابعاد تقریبی گذشته،مرهون بازسازی مسجد حسن‏ پادشاه و مسجد صاحب الامر می‏باشد،زیرا اگر عقیده حفظ مساجد موجب بازسازی آنها نمی‏شد، میدان صاحب آباد نیز مانند دولتخانه‏های قدیم‏ کاملا از بین می‏رفت و امروزه حتی از مکان و ابعاد تقریبی آن نیز اطلاعی در دست نبود.

نقبی به میدان نقش جهان اصفهان:میر سید علی‏ جناب مؤلف کتاب«الاصفهان»درباره وجه تسمیه‏ این میدان به میدان نقش جهان نوشته است که قبل‏ از صفویه در مجاورت این میدان باغی به نام نقش‏ جهان وجود داشته است،با کوشکی که بصورتها و انواع نقشها،آراسته شده بود و به این مناسب آنرا میدان صاحب آباد ترسیم:اکبر سرداری زنوز،امیربانی مسعود

نقش جهان می‏گفته‏اند.چنین بنظر می‏رسد که در دوران سلاجقه میدان نقش جهان،«کوشک میدان» نام داشت،چنانکه مؤلف تاریخ«راحه الصدور و آیه السرور»در تاریخ آل سلجوق به این نام اشاره‏ می‏کند.

به هر حال تاریخ ساخت میدان به وضع فعلی بر اساس اسناد موجود به سال 1011 هـ.ق می‏رسد دکتر لطف ا...هنرفر معتقد است که باغ نقش‏ جهان خیلی وسعت داشته و میدان فعلی نقش‏ جهان قسمتی از آن باغ محسوب می‏شده است.در دوره جانشینان تیموری قصری در کنار آن بنا شد که‏ «عمارت»عالی قاپوی فعلی در دوران شاه عباس‏ اول در محل همان قصر بنا شد.و میدان نقش‏ جهان که وسعت امروزی را نداشته است نیز در سال‏ 1011 هـ.ق به دستور شاه عباس اول و پس از انتخاب اصفهان به پایتختی،تا حدود امروزی‏ توسعه داده شد و«مسجد امام»و«عالی قاپو»و «مسجد شیخ لطف ا...»و«سر در قیصریه»و چهار بازار در اطراف آن بنا شد.

وجه تشابه میدان صاحب آباد با میدان نقش‏ جهان:بدین ترتیب تشابه کامل بین عناصر کالبدی‏ مانند عالی قاپو،مساجد عمده و قیصریه همچنین‏ نقاره خانه در میدان نقش جهان با میدان صاحب‏ آباد دیده می‏شود.از طرف دیگر تناسبات مشابه نیز حکایت از نوعی الگو برداری دارد که با توجه به‏ تقدیم ساخت و شکل گیری میدان صاحب آباد در دوره آق قویونلو،چنین بنظر می‏رسد که در ساخت‏ و طراحی میدان نقش جهان تفکر طراحانی به‏ خدمت گرفته شده است که به میدان صاحب آباد نظر داشتند و البته طراحی‏اشان تکامل بیشتری نیز یافته است؛چنانکه ابعاد میدان وسیعتر شده و عناصر معماری نیز با تکامل معماری در استفاده‏ وسیع از کاشی رو به تعالی گذاشته و بناهای‏ باشکوهی ساخته شده که تا امروز نیز جلوه خاصی‏ دارد.

پی نوشت:

(1)-خانلو،منصور:«تبریز قدیم از کهن‏ترین ایام تاکنون»، تلاش،1364،ص 23.

(2)-همان،صص 31-30

(3)-همان،ص 32

(4)-هینتس،والتر:«تشکیل حکومت ملی در ایران»،کیکاووس‏ جهانداری،ص 65.

(5)-همان،ص 54

(6)-همان،صص 81-80

(7 و 8 و 9)-همان،ص 139

(10)-«سفر نامه ونیزیان در ایران»،ترجمه منوچهر امیری،ص‏ 388

(11)-«مرآت البلدان»،ج 1،ص 341

(12)-«سفرنامه ونیزیان در ایران»،صص 390 و 389

(13)-«تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم»،محمد جواد مشکور،صص‏ 69 و 68

منابع:

1-ابن حوقل:«صوره الارض»،جعفر شعار-تهران،امیر کبیر، 1366

2-بلادزی،احمد بن یحیی:«فتوح البلدان»،آذرتاش آذرنوش، تصحیح علامه محمد فروزان،تهران 1364

3-اعتماد السلطنه،محمد حسن خان:«مرآه البلدان»، تصحیح عبد الحسین نوایی و میر هاشم محدث،تهران،دانشگاه‏ تهران،ج 1،1368

4-الاصفهانی،محمد مهدی ابن رضا:«نصف جهان فی‏ تعریف اصفهان»،تصحیح منوچهر ستوده،تهران،امیر کبیر، 1368.

5-«حدود العالم»،مجهول المؤلف،به کوشش منوچهر ستوده، تهران،طهوری،1362.

6-خانلو،منصور:«تبریز قدیم از کهن‏ترین ایام تاکنون»، تلاش،1364.

7-راوندی،محمد بن علی بن سلیمان:«راحه الصد و روایه‏ السرور»،به سعی و تصحیح محمد اقبال،تهران،علمی.

8-رییس نیا،رحیم:«آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام»،(2 ج)تبریز،نیما،1368.

9-ریچاردز،فرد:«سفرنامه فرد ریچاردز»،میهن دخت صبا، تهران،بنگاه ترجمه و نشر کتاب،1343.

10-«سفرنامه ونیزیان در ایران»،ترجمه منوچهر امیری،تهران، خوارزمی،1349.

11-شاردن،ژان:«سیاحتنامه شاردن»،محمد عباسی،تهران، امیر کبیر،45-1335.

12-کربلایی تبریزی،حافظ حسین،«روضات الجنان و جنات‏ الخیان»،تصحیح و تعلیق جعفر سلطان قرایی(2 ج)،تهران، 1304 و 1348 هـ.ش.

13-مشکور،محمد جواد:«تاریخ تبریز تا قرن نهم هجری»، تهران،انجمن آثار ملی،1352.

14-مینورسکی:«تاریخ تبریز»،عبد العلی کارنگ،تبریز، کتابفروشی تهران،1337.

15-نادر میرزا:«تاریخ و جغرافی دار السلطنه تبریز»،تصحیح‏ و تحشیه غلامرضا طباطبایی مجد تبریز،ستوده،1373.

16-هنرفر،لطف ا...«اصفهان»،تهران،شرکت سهامی‏ کتابهای جیبی،1356.

17-هینتس،والتر:«ترجمه کیکاووس جهانداری-تشکیل‏ دولت ملی در ایران»،خوارزمی،1361.